

## پرویز خطیبی و ضبط صفحه

علیرضا شاه‌محمدی - امیر منصور



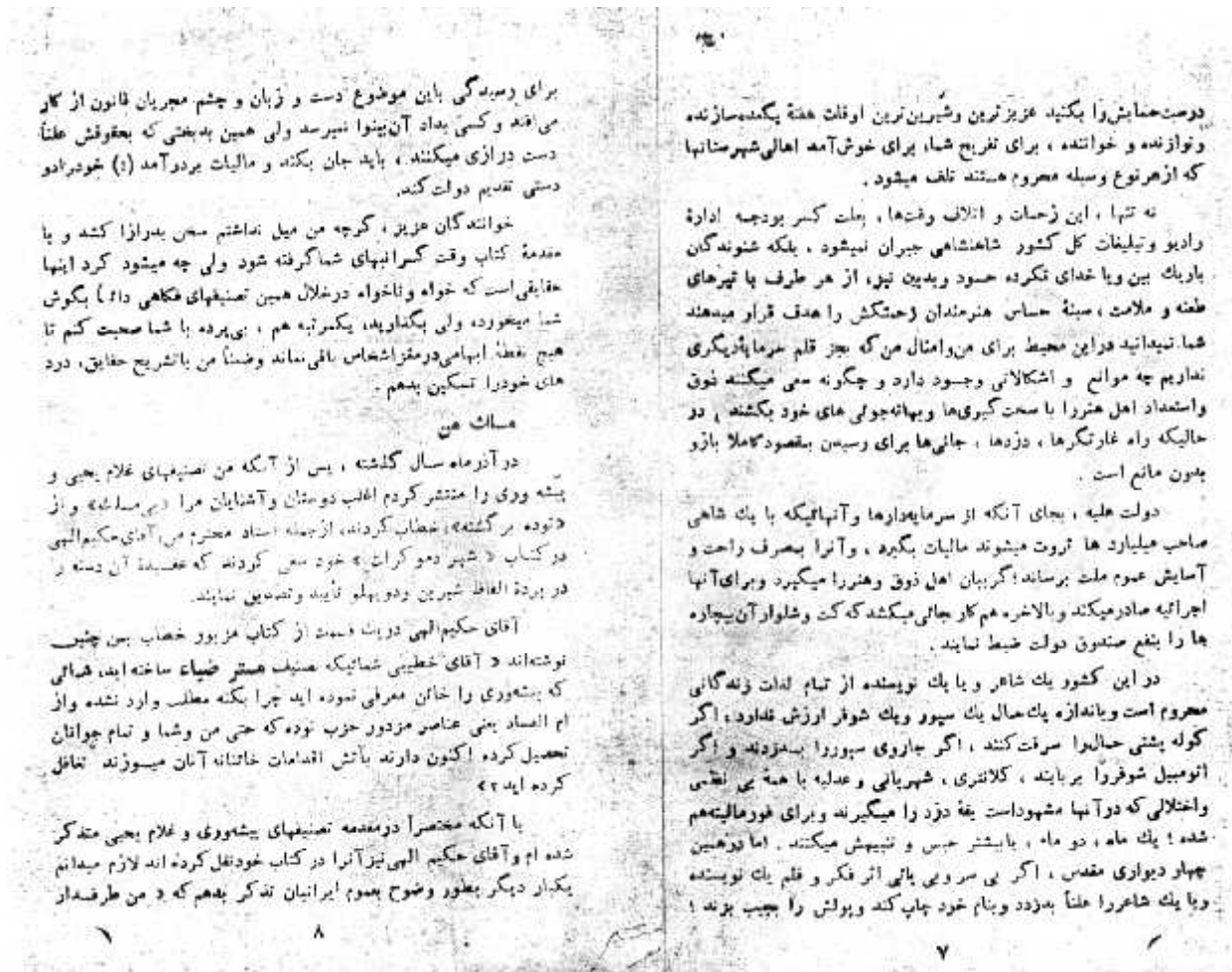
سندی که در این شماره ارائه می‌گردد مقدمه‌ای بر مجموعه‌ای از تصنیفهای فکاهی از ساخته‌های "پرویز خطیبی" است. برخی از اطلاعات موجود در این سند، در یادداشت‌های منتشر شده از پرویز خطیبی به نام "خاطراتی از هنرمندان" و بر روی سایت رسمی وی وجود ندارد که جهت تکمیل اطلاعات منابع یادشده، نشر می‌گردد. دو وجه عمده‌ای که در متن سند مورد اشاره قرار گرفته عبارتند از:

۱- گرایش سیاسی پرویز خطیبی به حزب توده که در تاریخ انتشار سند یعنی سال ۱۳۲۶ شمسی، نشانه‌هایی از افول آن مشاهده می‌شود (ذیل عنوان مسلک من) و اوجگیری مجدد آن با افزایش فعالیت‌های حزب توده در فاصله سالهای ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲، پس از بازگشت از بخارست و مواجه شدن با دستگیری و فشارهای حکومت کودتا، به سردی و جدایی همیشگی از حزب توده و مشی و مرام آن می‌انجامد و مدتی پس از انتشار جزوه "فستیوال بخارست و بازگشت از شوروی"، اجازه می‌یابد که به فعالیت‌های رادیویی خویش بازگردد.

۲- توافق با "حسین استوار" و "پرویز محمود" برای سرمایه‌گذاری مشترک در تولید صفحه و ناتمام ماندن این قرارداد که عملاً به ضبط صفحه‌های دارای لیل "دلبر" توسط فتح‌الله و نعمت‌الله مین‌باشیان در بمبئی می‌انجامد. وی این مطلب را بصورت مشروح‌تر در کتاب "خاطراتی از هنرمندان" نیز به رشته تحریر کشیده است. برای اطلاعات بیشتر پیرامون صفحه‌های "دلبر"، می‌توانید به مقاله‌ای با همین عنوان در دومین شماره *صنم سنگی* مراجعه فرمایید.

ملاحظات زیر نیز در توجه به این سند خالی از فایده نیست:

- تاریخ انتشار سند تیر ماه سال ۱۳۲۶ شمسی است. در این سال آخرین نوبت ضبط صفحه برای لیلیهای "هیز ماسترز ویس"، "کلمبیا" و "ادئون" در تهران صورت می‌گیرد که اجرای قطعات متعددی از پیش‌پرده‌ها یا تصنیفهای فکاهی وی توسط "حمید قنبری" و دیگران بر روی صفحه‌های "کلمبیا" وجود دارد.
- کاریکاتور "اصغر تفکری" که از مشهورترین کم‌دینهای ایران است و اثر "حسین بنائی" می‌باشد در پشت جلد این مجموعه وجود دارد. بنائی کاریکاتوریست اصلی نشریات "توفیق" در آن ایام بوده است.
- در متن به دو تصنیف کمیک "پیشه‌وری" و "غلام یحیی" اشاره شده است که دومی با اجرای خود وی بر روی B صفحه‌ها شماره 104 "موزیکال" با شماره قالب 11742 مشاهده شده است.
- در ذیل عنوان "یک موضوع مضحک" به مشارکت کمپانیهای ایرانی برای ضبط صدا تصریح شده است که قاعدتا اشاره‌ای به "شرکت صوت ایران" می‌باشد که اسم "ارکستر صوت ایران" بر روی صفحه‌های کلمبیا، که در سال ۱۳۲۶ در تهران ضبط شده‌اند نیز وجود دارد. نام "شرکت صوت ایران" در اسناد شرکت EMI وجود دارد و "مایکل کی‌نیر" نیز در کتاب خود، که ترجمه فارسی آن توسط "محسن محمدی" بوسیله "انجمن مفاخر و آثار ملی" منتشر شده، مکررا از آن یاد نموده است.



حال قبل از پایان مدت شرکت نامه یا دیگران فراهمی در این مورد نیستیم. چند ماهی فعالیت کردیم، ابتدا پاسپورت و ویزا برای هزینه به هندوستان تهیه نمودیم ولی بعداً چون با گویای کابلیا لندن صحبت شده بود ویزای لندن نیز تهیه گردید.

متأسفانه در مدتی که ما در تهیه مقدمات مسافرت خود بلدین بودیم بعضی از دوستان بن اطلاع دادند که آقای استوار بر خلاف قرار داری که با ما داشته مغفیانه قرارداد دیگری با شخصی موسوم به (آقای نعمت‌اله مین پاشیان) بسته است، من عین قضیه را مختصراً در یک نامه خصوصی نوشته بسترل آقای استوار فرستادم و از اینکه قبل از شروع بکار مشار الیه از قرارداد خود تلافی کرده است اظهار نگرانی نمودم. چند روز بعد پاسخ این نامه در دستم اظهار نامه‌ای بود که آقای استوار برای من فرستاده و در آن خاطر نشان ساخته بودند که «چون اشعار من در ادبیات تهران خوانده شده و تالیفاتم را در تاشاخانه فرهنگ روی صحنه آورده اند لذا از قرارداد منصفانه تعلق برده ام و لازم است مبلغ صد هزار ریال بعنوان وجه تعلق با ایشان بدهی کم».

شما را بعداً توجه کنید چگونه در این محیط اشخاص از طرف اشخاص میرانند و بطور باصطلاح دست پیش میگیرند که بس بنگارند.

از شما چه پنهان، کار جداییه کشیده و «وکیل درجه اول» آقای استوار ادعا نامه‌ای بر علیه من بدادگاه تقدیم نمود، بی خبر از این صحنه باشناخه های من قبل از انعقاد قرارداد با آقای استوار تاشاخانه فرهنگ واگذار شده و اشعار رادیویی را نیز طبق قراردادی که قبلاً با تاشاخانه تهران داشته ام، هنرپیشگان آن تاشاخانه رادیو خوانده اند و من در این دو مورد هیچ وجه مسئولیتی ندارم.

اکنون برونده جریان هادی خود را طی میکنم چون آنکه صنعتان ما وارد بازار شده و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته باشد.

استقلال و آزادی ایران و دشمن سرسخت کسانی هستم که بر ضرورت کار میکنند و استقلال و آزادی ما را فدای مظاهر بید خود می‌سازند. من در عین حال که خود را از توده ملت میدانم و فردی از افراد زحمتکش این آب و خاک هستم با همین رویه‌ای که ملاحظه میفرمائید! اگر بتوانم مشت نهدان دشمنان ملت و مملکت بزم لا اقل صد راه آنها می‌شوم و آنان را باین یاریزه ها و کور و کجیل های از هبه جا بیخبر می‌سازم.

برای من فرق نمیکند در عین حال که با فرد به جمعی موافق هستم آن فرد یا آن اجتماع را متوجه غبط و غطانی که مرتکب شده اند، نکنم. آقای حکیم الهی باید بدانند که نمایه من به پیشروی نه از آن جهت بود که چرا «نهتنی برپا کرد»، بلکه این حمله از جهت «قیامتی است که بقیه من پیشروی و سایر رفتارهای پنهانیت کرده اند» نهتنی که اگر منکی به بیگانگان باشد ممکن است ما را برای همیشه از شر این بدگی و بردگی، و این مرگ تیرجی خلاص کند»

پس آنچه مسلم است من در عین حال که همیشه اعمال خوب اشخاص را با اجتهاد و استودام، از عدلیت زشت و ناعجاب آنها نیز بی‌موقع خود انعقاد کرده ام، این است شیوه من و اینست راهی که برای انعقاد از اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور مغلوب خودمان در پیش گرفته ام، حالا بکنار همه‌ی مرا «بر تریسپ» و «از توده برگشته» خوانند.

**ضبط تصنیفها در صنعتان گرامافون**

برائز تقاضاهای متعدد علاقه‌مندان سال گذشته تصمیم گرفته که قسمتی از تصنیفها را در صنعتان گرامافون ضبط نمایم و برای این منظور برائز راهنمایی استاد هنرمند (آقای پرویز منصوب) رئیس اداره موسیقی کشور شرکت نامه‌ی بین من و ایشان و آقای حسین استوار منعقد گردید.

بسیار خوب این شرکت نامه نامه ترموظف دیدم که چه در ایران و چه در خارج از ایران، با سرمایه خود ضبط صنعتان مشغول شویم و در عین

آن صنعتان را ضبط و توفیق نمایم با شرکا، محترم بدانند که این مملکت هر قدر هم پیشو بازار باشد، آنطوری که آنها تصور کرده اند نیست و آنها نمیتوانند با مردم، سرمایه های خود را بدین برابر کرده و برایش این و آن بکنند.

خوانندگان عزیز، این بود شبهه‌ی از اوضاع و احوال من در سان گذشته، اکنون خودتان باید فشارت کنید که بیاید و بود اینهمه نادرستی و دروغ و دریا و آبیهه اشکال تراشی و مبالغه سازی، آبا من میتوانم بکار سراسر مشغلی که از چندین سال پیش شروع کرده ام، ادامه بدهم و خودتان باید فشارت کنید!

پرویز خطیبی  
تیر ماه ۱۳۶۶

ایستد، نتیجه‌ی که از برداشتن یک قدم مثبت در این مملکت دارید اشخاص میشود و اینست داین عهد موفقین ما در تمام کارهای اجتماعی و سیاسی زیرا حق و حقیقت و دوستی و مدارات از مدت‌های دیر برای ایران را بدود گفته است.

**یک موضوع مضحك**

شاید شنیده باشید که اشخاصی از گویایهای ایرانی بدهم شرک شده و میخواهند صنعتان جدیدی بزنند، در بگوکار نماینده شرکت مرا ملاقات کرد و از من خواست که چند قسمت از تصنیفها را برای ضبط در صنعتان بار و انگار کنم و در مقابل مبلغی جرئی دریافت نمایم.

چون من مطمئن داشتم که آقایان، صایون منافع سرشاری را پشتکم مالیده اند و قصد دارند با استوار عدلی موزیسین و خواننده جیب های خود را بزنند، از قبول این درخواست خود داری نمودم ولی یکی از آقایان شرکاء بالبعدی نسیخ آمل گرفت که اگر اشعار خود را بناوا گذار نکنید، عین مضامین شما را مبدعم شعری تازه کار دیگر سازند و با پرداخت مبلغ کمی بعنوان دستزد آن اشعار را در صفحه ضبط خواهم کرد.

بکیار دیگر این سخنان احمقانه را بخواهید و «بینه چگونه جلوی چشم آدم، با دم التیبات می‌دهند که مثلا واگرکت و شاداویت را بندهمی آترا می‌لرزم و می‌بوشم، و بعد هم اضافه میکنند که «هر گونه مالی در این راه باشد یا پول و رشوه از میان برداشته خواهد شد»

البته آقایان هم اکنون مشغول ضبط اشعار نظیرمی هستن و گویا شعری که با آنها همکاری میکنند، حاضر شده اند که حتی مبلغی مبدستی بشرکت بپردازند اما ایشان روی صفحه گرامافون ثبت شود ولی آنچه مسلم است من در مقابل این «رقابت مکارانه» ساکت نخواهم نشست و قبل از خاتمه عمل و اقدام بپرویش یکی از اینگونه صنعتان بوسله مقدمات مسئول